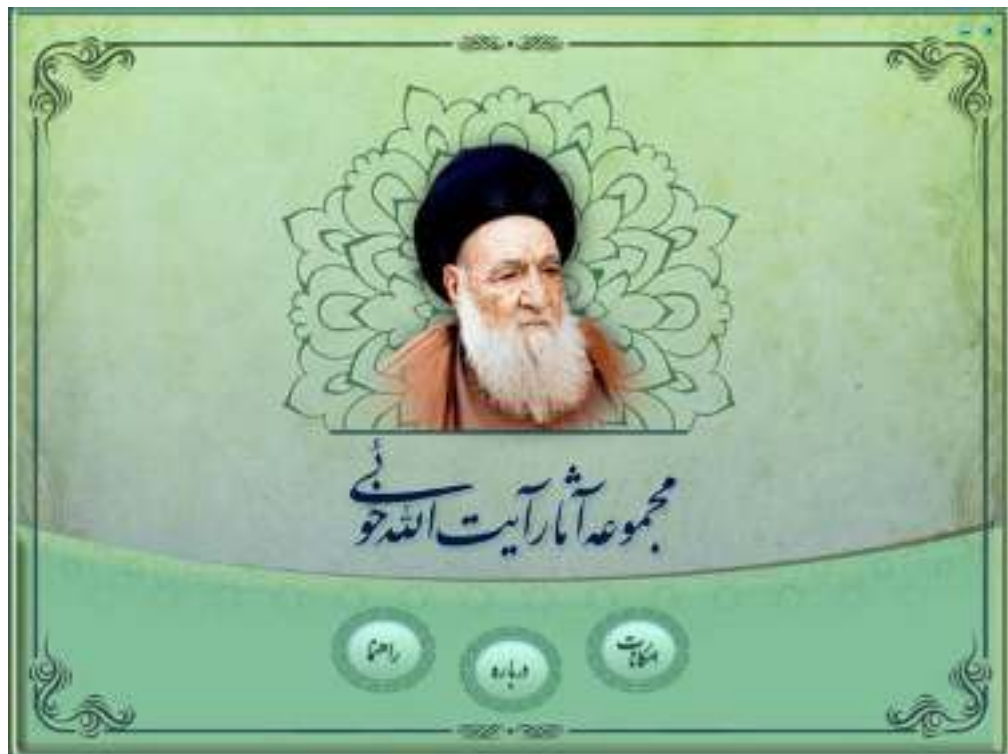


دارد حرکت می‌کند وجود دارد؟ که اگر به اندازه‌ی مسافت باشد (یعنی ثمانیه الفراسخ ملفقاً باشد به شرطی که ذهابش حداقل چهار فرسخ باشد) در این صورت نماز را شکسته می‌خواند.

همین‌جا اشاره‌ای بکنم به آنچه **آیه‌الله العظمی خوئی** این‌جا حاشیه زدند و فرمودند اگر مستلزم این هست که مقدار دیگری برود و مثلاً از مقدار حرام به اندازه‌ی چهار فرسخ فرض کنید اضافه‌تر می‌رود و برمی‌گردد (که مثال این‌چنینی خیلی بعید هست) و این چیزی است که صاحب عروه فرمودند که اگر بخواهد کار حرام انجام بدهد لازمه اش این است که به‌اندازه‌ی مسافت اضافه‌تر برود. ما گفتیم که مجموع سفر معصیت است و نماز تمام است اما آیه‌الله العظمی خوئی می‌فرمایند که شکسته است. نمی‌دانم چه وجهی را برای ایشان درست بکنیم؟ قطعاً فرمایش ایشان ایراد دارد چون صرف این‌که چهار فرسخ از آن موضع معصیت اضافه‌تر می‌رود این دلیل بر حلال بودن سفر او نیست بلکه مسیر، مسیر باطل است (چنانچه در روایات هم داشتیم) و این کرامتی برای مجموع سفر او نیست. لذا وجهی برای کلام ایشان نیست و حتماً باید نماز را کامل بخواند.



نرم افزار مجموعه آثار آیت الله خویی

مسئله ۲۸: بسیاری از سفرها به قصد مجرد «تنزه» هست، تنزه هم همان گردش و تفریح را می‌گویند، علت این‌که اسمش را تنزه می‌گذارند چون می‌خواهد دور از آلودگی‌های شهر و سختی‌های شهر باشد. مسافرتی که به قصد تفریح و گردش می‌رود، آیا نمازش شکسته است یا نه؟ سید می‌فرمایند شکسته است چون این سفر حرام نیست لذا موجب تمام نیست و باید شکسته بخواند.

در توضیح فرمایش ایشان عرض می‌کنم که بله همین طور است، سفری که برای تنزه هست حلال است دلیلی بر حرمت آن اصلاً نیست، به خصوص این‌که گاهی رجحان هم دارد و این خیلی اتفاق می‌افتد. رجحانش این است که سفرهای تفریحی معمولاً مقدم بر یک امر عقلایی است؛ می‌گوید تفریح بکنم تا بدنم تقویت بشود و بعد خستگی‌ام برطرف شود و بتوانم زندگی‌ام را با خدمت به مردم یا شغلم را بهتر انجام بدهم.

روایت معروفی که منسوب به **امیرالمؤمنین (ع)** است، آن بزرگوار در شعری می‌فرمایند:

«تَعَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعَلَى / وَ سَافَرَ فِي الْأَشْفَارِ حَمْسُ فَوَائِدٍ / تَفَرُّجُ هَمٍّ وَ اكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ / وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ ضَحْبُهُ مَاجِدٌ»

پنج فایده را بیان می‌کند که در سفر وجود دارد و «تفرج» هم به عنوان یکی از فواید هست که مطلوب است و عقلاً انجام می‌دهند و اهل بیت (ع) هم این را تایید کردند. مراجع هم ملاحظه کردم در این مسئله ۳۸ از سید تبعیت داشته‌اند بنابراین اختلاف در ظاهر وجود ندارد.

مسئله ۳۹: این خیلی مسئله مهمی است و آن این است که اگر نذر کرد نمازش را در یک روز معینی کامل بخواند یا نذر کرد یک روز معینی را روزه بگیرد بر این شخص واجب است اقامت بکند، حالا اگر در وطنش است که بماند و اگر در سفر است ده روز واجب می‌شود که اقامت بکند. منتها می‌فرمایند اگر مسافرت کرد و اقامت نکرد در آن صورت واجب است نماز را شکسته بخواند و راجع به روزه سید ظاهراً فراموش کردند که بگویند آیا روزه را بگیرد یا نگیرد؟ فقط نماز را می‌گویند شکسته بخواند و می‌فرمایند اول واجب است اقامت بکند منتها اگر از این وجوب صرف‌نظر کرد و عملاً مسافرت کرد واجب است نماز را شکسته بخواند و به آن نذرش عمل نمی‌کند.

دلیلشان چیست؟ می‌گویند قصدش از سفر این نیست که راهی پیدا بکند برای این که واجب را ترک کند بلکه قصدش مثلاً زیارت است؛ منتها لازمه آن سفر بالاخره این است که این واجبی که نذر است باید ترک بکند. چون لازمه اش هست و قصد نداشته این‌جا می‌گویند نماز شکسته است، اما مفهوم عبارت این می‌شود که گاهی قصدش از سفر رسیدن به ترک واجب است در این صورت باید نماز را تمام بخواند. در آخر مسئله می‌گویند احتیاط مستحب آن است که جمع بین هر دو بکند.

در این مسئله که خیلی فایده هم دارد و مثلاً در بحث اعتکاف ما مرتب با این مسئله مواجه هستیم که شخص می‌خواهد روزه اعتکاف را بگیرد ولیکن وطنش هم نیست قصد اقامت هم نمی‌خواهد بکند، از شهری به شهر دیگری رفته مثلاً به شهر مشهد مقدس رفته و می‌خواهد آن‌جا معتکف شود در حالی که سه روز هم بیشتر نمی‌خواهد در مشهد بماند، آیا می‌تواند نذر روزه معین بکند و در آن‌جا روزه‌ها را بگیرد تا بتواند معتکف هم بشود؟ چون شرط اعتکاف روزه است، یا آنکه نمی‌تواند نذر بکند؟ مسئله ۳۹ این است که گاهی نذر می‌کند که نمازش را در روز معینی تمام بخواند نه شکسته، یا در آن روز روزه بگیرد. اول می‌فرمایند واجب است که آن روز را اقامت بکند تا به نذرش عمل بکند هم نماز را کامل بخواند و هم روزه بگیرد، اما اگر مسافرت کرد واجب است نماز را شکسته بخواند. راجع به روزه حرفی نزدند که ظاهراً باید بگوییم باید افطار بکند.

ما در این فرمایش سید **پنج مطلب** را داریم.

نکته اول: این سفری که ترکش را نذر کرده (که در این‌جا سید نفرمودند گاهی ترک سفر را نذر می‌کند) و این را قبلاً داشتیم که نیت و نذر می‌کند که من سفر نکنم، گفتیم آیا این نذر منعقد می‌شود یا نه؟ شرط انعقادش رجحان ترک سفر هست، مثلاً خطری است که خوف عقلانی است یا ضررهای عقلایی در آن است، خطر جانی در آن است، بیماری امکانش زیاد است که بیماری پیدا بکند. به خاطر این می‌گوییم گاهی سفر ترکش رجحان دارد، اگر کسی نذر کرد که من سفر نمی‌روم و اگر سفر کرد سفرش معصیت است و واجب است که نمازش را تمام بخواند.

نکته دوم: سید فرمودند «سفر اگر مستلزم ترک واجب بشود نماز شکسته است اما اگر قصد دارد که توسل به ترک واجب بکند یعنی از اول نمی‌خواست که سفر بکند اما نیت می‌کند و می‌گوید من برای این که نذر را عمل نکنم به مسافرت می‌روم این‌جا

سفرش حرام می‌شود و باید نمازش را تمام بخواند.»

به ایشان عرض می‌کنیم که ظاهراً این‌گونه تقسیم بندی درست نیست، بلکه تقسیم بندی را باید با علم و جهل جلو ببریم. این‌طور می‌گوییم که اگر می‌داند که در این سفری که می‌رود ترک نماز می‌شود، مثلاً می‌داند که راننده نمی‌ایستد و نمازش قضا می‌شود یا می‌داند که اگر این‌طوری سفر برود او را وادار به قتل نفس محترمه می‌کنند، اگر علم دارد و سفر می‌کند این سفرش حرام است و موجب تمام است. اگر سید این‌طور گفته بودند این درست بود که اگر علم دارد حرام است اگر علم ندارد و سفر به نیت زیارت رفت ولیکن در سفر بدون این‌که علم قبلی داشته باشد نمازش قضا شد به خاطر این‌که راننده نایستاد و او هم هرچه تلاش کرد موفق نشد یا وادار به ارتکاب قتل کردند، او نمی‌دانست پس سفرش سفر معصیت نیست بلکه سفر حلال است و نمازش شکسته است.

اگر این‌طور بین علم و جهل تقسیم می‌کردیم این درست بود اما این تفکیکی که ایشان کردند که گاهی سفر مستلزم حرام است و گاهی قصد توسل دارد، تقسیم این‌طوری صحیح نیست.

نکته سوم: سفر با نذر روزه معین جایز است، دلیل ما هم روایات است. سید فرمودند سفر جایز نیست و واجب است که اقامت بکند.

به ایشان عرض می‌کنیم اتفاقاً روایت به ما اجازه می‌دهد که اگر روزه معینی را نذر کرده است، مثلاً نذر کرده که پنجشنبه اول ماه روزه بگیرد، با اینکه نذر کرده اما واجب نیست اقامت بکند بلکه می‌تواند سفر بکند. دلیل ما از نظر اصولی و هم از نظر نقلی روایت است. از نظر اصولی می‌گوییم وقتی یک واجبی مشروط است مثلاً این‌جا روزه مشروط به این است که در حضر باشد این شرط تحصیل کردنش واجب نیست بلکه می‌گوییم اگر در وطن بود این‌جا روزه می‌گیرد اما اگر در سفر بود نه و حتی سفر هم نباید واجب باشد من روایتش را برایتان می‌خوانم.

روایت پنج باب ده از ابواب صلوٰه جلد هفتم وسائل صفحه ۱۴۰: این روایت می‌گوید کسی نیت نذر روزه کرده بود بعد نیت یک سفر مستحبی کرده مثلاً به زیارت امام حسین (ع) برود؛ آیا می‌تواند از آن نذرش منصرف شود با این‌که زیارت امام حسین واجب نیست و عمل حج واجب نیست؟ امام صادق (ع) فرمودند که بله می‌تواند. توجه دارید که با این‌که سفر واجب نبوده حضرت فرمودند می‌تواند زیارت برود و بعد که برگشت قضای آن روز را انجام بدهد.

نکته چهارم: روایات بر سه طایفه است؛ طایفه اول می‌گوید که روزه در سفر جایز است، طایفه دوم می‌گوید جایز نیست، طایفه سوم تفصیل است که فکر می‌کنم این تفصیل جمع بین روایات مجوزه و مانعه باشد. روایت را من اشاره می‌کنم چون این بحث فایده فقهی خیلی دارد.

توجه بکنید ببینید تفصیل چیست؟ یک دسته روایات می‌گوید وقتی که نذر کرده جایز است روزه بگیرد چه در وطن و چه در سفر باشد، باید به نذرش عمل بکند و روزه را بگیرد و آن روزه در سفر که می‌گویند حرام است برای جایی است که نذر نکرده است.

حدیث هفت از باب ده جلد هفتم از وسائل صفحه ۱۴۱؛ از امام هشتم (ع) سوال می‌پرسد، «سألته عن الزجل يجعل لله عليه صوم يوم مسمی» این صیغه نذر است که می‌گوید «لله على صوم يوم كذا یا يوم الخميس» یک کسی نذر کرده صیغه هم به زبان جاری کرده، حضرت فرمودند که او باید چه در سفر و چه در حضر روزه بگیرد. این یک بخش از روایات که می‌گوید روزه را بگیرد.

و دسته دوم که روایات بیشتری است و منع از روزه کرده و مطلقاً گفته که روزه نگیرد، **حدیث هشت** از همین باب ده را خدمتان می‌خوانم. چهار روایت دیگر در این زمینه داریم که فقط نشانی‌اش را عرض می‌کنم.

روایت هشت عمار السَّاباطی می‌گوید از امام صادق(ع) سوال کردم: نذر کرده است که یک ماه روزه بگیرد، به دنبالش می‌گوید گاهی بیشتر و گاهی کمتر مثلاً بیست روز (مهم عدد بیشتر و کمتر نیست مهم اصل روزه است)، ناچار می‌شود که مسافرت بکند؛ حضرت فرمودند «اذا سافر فليُفطر لانه لا يحل له الصوم في السفر فريضة كان أو غيره، والصوم في السفر معصية». فرقی نمی‌کند روزه واجب یا روزه مستحب باشد حلال نیست که روزه بگیرد، به‌طور مطلق امام صادق می‌فرماید الصوم في السفر معصية.

مشابه همین روایت، روایت ۲، ۵، ۹ و ۱۰ از همین باب ده هست. این‌ها دو دسته روایت بود که دسته اول می‌گفت روزه را در سفر بگیرد دسته دوم می‌گفت نگیرد، اما جامع بین این‌ها روایتی است که می‌گوید اگر نیت کرده است که در سفر روزه بگیرد آن‌جا دیگر باید روزه را بگیرد و با این نکته جمع بین روایت‌ها می‌کنیم و می‌گوییم آن روایت هفت که حضرت فرمودند «يصوم أبداً في السفر والحضر» قید می‌زنیم می‌گوییم این برای جایی است که نیت کرده من چه در سفر و چه در حضر آن روز را روزه می‌گیرم. اما آن پنج روایت که گفت حلال نیست در سفر روزه بگیرد آن را حمل بر کسی می‌کنیم که چنین قصدی نداشته که در سفر روزه بگیرد بلکه قصدش روزه گرفتن بوده است اما حواسش نبوده که ممکن است به یک سفر برخورد بکند، اگر این طوری است اجازه ندارد در سفر روزه بگیرد.

نکته پنجم و آخر که ما در این فرمایش سید داریم این است که ایشان فرمودند اگر نذر کرد که در فلان روز نمازش را تمام بخواند، حق ندارد مسافرت بکند و واجب است که اقامت بکند.

به ایشان عرض می‌کنیم که این کلامتان یک ایراد دارد و آن این است که متعلق نذر باید رجحان داشته باشد و این که نذر کرده است که من نماز را چهار رکعتی بخوانم، نماز چهار رکعتی نسبت به نماز مسافری که دو رکعت است اصلاً رجحان ندارد و حرام است. نماز چهار رکعتی برای شخص مسافر اگر رجحان داشت خود خدای متعال می‌گفت که چهار رکعتی بخوان درحالی که شخص مسافر واجب است نمازش را شکسته و دورکعتی بخواند، پس این که تمام بودن نماز را نذر می‌کند، این نذر اصلاً منعقد نمی‌شود چون نماز تمام به نسبت نماز قصر رجحان ندارد.

ما یک چیز دیگر می‌گوییم که سید نفرمودند و این که گاهی نذر می‌کند که من سفر نکنم، و امروز هم اشاره کردم. گاهی نذر می‌کند که من سفر نمی‌کنم در این صورت انعقاد این نذر متوقف است بر این که همان عدم سفر رجحان داشته باشد؛ مثلاً سفری است که امکان کشته شدنش هست در این صورت چون رجحان دارد که سفر نکند و اگر سفر کرد سفرش معصیت است و واجب است که تمام بخواند.

لکن این نکته ای که گفتیم غیر از فرمایش سید است. ما داریم می‌گوییم نذر کرده است که سفر نرود و نرفتن هم رجحان دارد. فرمایش سید این بود که نذر کرده است که نمازش را چهار رکعتی بخواند نه دو رکعتی. می‌گوییم این چه رجحانی دارد برای کسی که مسافر است و واجب است که نمازش را شکسته بخواند؟ تمام خواندن هیچ رجحانی ندارد. در مواضع تخییر آن چهار موضعی که انسان می‌تواند هم نماز را کامل و هم شکسته بخواند آن‌جا بعضی مراجع گفته‌اند که چهار رکعت رجحان دارد، آن هم رجحانش از باب این که می‌گویند چون بیشتر دارد نماز می‌خواند که همان هم در آن تأمل داریم و نمی‌توانیم بگوییم چهار رکعتی بر دو رکعتی در آن مواضع تخییر رجحان دارد و گفتند که مخیر هستید، و در بحث امروز که عرض کردم چهار رکعتی اصلاً خلاف احتیاط است، در این صورت دیگر رجحانی برای چهار رکعتی وجود ندارد و رجحان همان دو رکعتی است تا یقین به فراغ ذمه پیدا بکند.

انتهای پیام/

برچسب‌ها: جواد جلوانی، حرام، درس خارج فقه، سید ابوالحسن مهدوی، کتاب عروه الوثقی، مدرسه علمیه صدر بازار، نماز
مسافر، واجب

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>

Copyright © 2015 ندای اصفهان. All rights reserved.